

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



ماشکد



شرقی ترین نگین ایران

محمد امین شهنوازی

انتشارات ارسطو  
(چاپ و نشر ایران)  
۱۴۰۲

سرشناسه: شهنوازی، محمدامین، ۱۳۵۵ -  
عنوان و نام پدیدآور: ماشکید، شرقی ترین نگین ایران / محمدامین شهنوازی.  
مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.  
مشخصات ظاهری: ۲۰۵ص. مصور، جدول، نمودار، نقشه.  
شابک: ۰-۶۱۰-۴۳۲-۶۰۰-۹۷۸: ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال  
وضعیت فهرست نویسی: فیپا  
یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۰۴-۲۰۵.  
موضوع: خرما -- ایران -- کشاورزی ارگانیک  
موضوع: Dates (Fruit) -- Iran -- Organic farming  
موضوع: ایران -- مرزها -- پاکستان  
موضوع: Iran -- Boundaries -- Pakistan  
موضوع: پاکستان -- مرزها -- ایران  
موضوع: Pakistan -- Boundaries -- Iran  
موضوع: رود ماشکید  
موضوع: Mashkid River (Iran)  
رده بندی کنگره: SB۳۶۴  
رده بندی دیویی: ۶۳۴/۶۲  
شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۱۹۶۵۶  
وضعیت رکورد: فیپا

نام کتاب: ماشکید، شرقی ترین نگین ایران  
مؤلف: محمدامین شهنوازی  
ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)  
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر  
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد  
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲  
چاپ: مدیران  
قیمت: ۲۰۰۰۰۰ تومان  
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:  
<https://chaponashr.ir/ketabresan>  
شابک: ۰-۶۱۰-۴۳۲-۶۰۰-۹۷۸  
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵  
[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)

استفاده از مطالب این اثر با ذکر منبع بلامانع است



این کتاب تقدیم می‌گردد به



شهید حمیدرضا گنگوزهی

معلمی که در راه تعلیم و تربیت دانش آموزانش، باگذشت و ایثار، تعدادی از آنها را از زیر آوار نجات داد و خودش زیر آوار ماند و در راه رسیدن به پارستان به شهادت رسید

تاریخ شهادت: ۱۳۹۵/۱/۱۵ شمسی

مکان شهادت: ماشکد، منطقه مرزی روتک، روستای نوکجو، مدرسه شهید پیربخش رحیمی



# فهرست مطالب

| شماره صفحه | عناوین   |
|------------|--|
| ۹          | مقدمه  |
| ۱۳         | فصل اول : معرفی منطقه ماشکید                           |
| ۱۳         | پیشینه تاریخی ماشکید                                   |
| ۱۵         | تاریخچه مرز بندی دو کشور ایران و پاکستان               |
| ۲۷         | هواشناسی و هیدرولوژی جریان های سطحی ماشکید             |
| ۳۰         | هیدروژئولوژی آب های زیرزمینی ماشکید                    |
| ۳۳         | مشخصات زیر حوضه هامون ماشکید - ماشکیل (مشکیل)          |
| ۳۴         | رودخانه های مهم زیر حوضه های هامون ماشکید              |
| ۴۹         | فصل دوم : جشنواره خرماي ربي ارگانیک ماشکيد (روتک)      |
| ۴۹         | منطقه روتک   |
| ۵۴         | اولین جشنواره ملی خرماي ربي ارگانیک روتک               |
| ۵۵         | خبرها و رویدادهای جشنواره                              |
| ۷۲         | اسناد و مکاتبات اداری                                  |
| ۱۰۳        | فصل سوم : کشاورزی ارگانیک (چگونگی تولید خرماي ارگانیک) |
| ۱۰۳        | تراریخته ها  |
| ۱۰۶        | محصولات تراریخته                                       |

|     |   |
|-----|---|
| ۱۰۶ | چگونگی گذر به کشت ارگانیک .....                         |
| ۱۰۷ | کشاورزی ارگانیک .....                                   |
| ۱۰۸ | وضعیت خرما در ایران و جهان .....                        |
| ۱۱۰ | تولید خرمای ارگانیک در ایران و جهان .....               |
| ۱۱۰ | اهداف تولید خرمای ارگانیک .....                         |
| ۱۱۱ | نیازهای اکولوژیک نخل خرما .....                         |
| ۱۱۵ | تغذیه ارگانیک نخل خرما .....                            |
| ۱۱۵ | تولید کمپوست از ضایعات برگ نخل خرما .....               |
| ۱۱۶ | استفاده از کودهای بیولوژیک (زیستی) .....                |
| ۱۱۷ | محاسن استفاده از کودهای ورمی کمپوست .....               |
| ۱۱۸ | مدیریت بقایا و کاهش ضایعات در تولید خرمای ارگانیک ..... |
| ۱۱۹ | استفاده از ضایعات سبزینه ای نخل خرما .....              |
| ۱۲۰ | ضدعفونی کردن ارگانیک خرما .....                         |
| ۱۲۱ | نحوه بسته بندی ارگانیک خرما .....                       |
| ۱۲۱ | مصرف ارگانیک خرما .....                                 |
| ۱۲۳ | فصل چهارم : عکس ها و روایت ها .....                     |
| ۲۰۴ | منابع و مأخذ .....                                      |



تاریخ نگاری و ثبت وقایع در منطقه بلوچستان، از قدیم الایام مورد توجه تاریخ نگاران قرار نداشته است. معمولاً روایت‌های محلی و شفاهی از نسلی به نسلی دیگر بازگو کننده تاریخ، فرهنگ و زندگی مردم نسل‌های قبل بوده است. در سال‌های اخیر فعالیت‌های خوبی در جهت ثبت، ضبط و انتشار تاریخ گذشته و حال منطقه بلوچستان توسط اهالی قلم و پژوهشگران این خطه انجام شده است. این اثر و این دست از آثار شیوه‌های تمرینی مناسبی در تاریخ نگاری هستند که می‌شود هر اتفاق کوچک و بزرگ عصر خویش را با کمی دقت و آراستگی و ویرایش به مرحله چاپ و انتشار رساند. این امر می‌تواند شرح چگونگی زیستن فعلی ما را برای نسل‌های آینده روشن سازد.

ماشکید منطقه ای سوق الجیشی و استراتژیک در طول تاریخ بوده و در حال حاضر هم این اهمیت و ویژگی پا برجاست. در ادوار گذشته استعمارگران، دول خارجی و حاکمان محلی فراوانی به دنبال دست درازی و تصرف منطقه حاصلخیز ماشکید برآمده اند که رشادت‌ها، دلیری‌ها و مقاومت مردم این خطه باعث دفع بسیاری از این تهاجم‌ها و دست درازی‌ها شده است. گسترش روز افزون انگلیسی‌ها بر شبه قاره هند باعث شد تا آنها به سرعت سراسر هندوستان را زیر فرمان و سیطره خود ببرند. در آن دوران هنوز مرزبندی رسمی و قانونی بین دولت ایران و هندوستان وجود نداشت. انگلیسی‌ها در

راستای سیاست‌های استعماری خود ناحیه کلات را در دوران حکومت خدادادخان براهویی از ایران جدا و جزو قلمروی هندوستان کردند. منطقه ماشکید همواره برای حاکمان کلات و سرداران منطقه سرحد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است.

انگلستان درصدد کشیدن خط تلگراف از شبه قاره هند به ایران بود. این خط از حوزه نفوذ سرزمینی برخی از اقوام و خوانین محلی بلوچ عبور می‌کرد. این پروژه عظیم موافقان و مخالفان فراوانی داشت. مخالفت‌ها از زمانی شدت یافت که اولین مرزبندی در سال ۱۸۷۱ م بین دولت ایران و انگلستان منعقد شد. در این دوره بخش عمده‌ای از نخیلات ماشکید که متعلق به طایفه یاراحمدزهی بود از ایران جدا و در بخش بلوچستان انگلیس افتاد. سران و بزرگان طایفه یاراحمدزهی که عمدتاً مالکان نخیلات ماشکید بودند، مخالفت خویش را با الحاق بخش عمده‌ای از خاک ایران به بلوچستان انگلیس آشکار ساختند. این مخالفت‌ها کم‌کم به اعتراضات، سپس مقاومت‌ها و در ادامه تبدیل به مبارزات شد و تا سال ۱۹۱۶ میلادی با ورود ژنرال دایر انگلیسی به مدت ۴۵ سال ادامه داشت: «در سال ۱۲۸۷ هـ ق/ ۱۸۶۱ م انگلستان، فردریک گلدسمید را برای ایجاد خط تلگراف در کرانه مکران تا گوادر، به بلوچستان فرستاد. این بررسی به خوبی صورت گرفت و در سال ۱۲۸۰ هـ ق / اکتبر ۱۸۶۳ م، گفتگوی بین ایران و بریتانیا آغاز شد و در سال ۱۲۸۱ هـ ق/ سپتامبر ۱۸۶۴ م، قرارداد این کار به امضاء رسید. تا اواخر این سال، کار کشیدن خط تلگراف پایان یافت و از کراچی به چابهار و از آن جا به جاسک رسید. انگلیسی‌ها ضمن ایجاد این خط مخابراتی، در بندر گوادر ایران، دست اندازی‌هایی کردند، که مورد اعتراض شدید ایران قرار گرفت. اما انگلستان برای تعیین بخشی از مرز که به نیرنگ اشغال کرده بود، گلدسمید را به بلوچستان فرستاد. وی ضمن بررسی منطقه، حدودی برای حکومت کلات تعیین و نقشه‌ای ترسیم کرد، که مورد موافقت ایران قرار نگرفت و کار تعیین مرز متوقف گشت.

در سال ۱۲۸۸ هـ ق / ۱۸۷۱ م، گلدسمید به تهران آمد و نقشه‌ای را که بدون اظهار نظر و موافقت نمایندگان ایران تهیه کرده بود، به الیزن، وزیر مختار بریتانیا در تهران تسلیم کرد. الیزن، نقشه گلدسمید را همراه یادداشتی به صورت موافقت نامه، برای میرزا سعیدخان، وزیر امور خارجه ایران فرستاد.

ناصرالدین شاه قاجار، پیشنهاد وزیر مختار انگلستان و طرح گلدسمید را پذیرفت و قبولی آن به انگلستان ابلاغ شد و نقشه‌های آن رد و بدل گردید. بدین ترتیب انگلیسی‌ها بخشی از بلوچستان بزرگ را از ایران جدا کرده و به قلمرو امپراتوری هند بریتانیا افزودند.

در سال ۱۲۹۰ هـ. ق / ۱۸۷۳ م، انگلستان به پنج گور نیرو فرستاد و نوروزخان خارانی را به اشغال ناحیه ماشکید تشویق نمود. ایران به این کار اعتراض کرد، ولی بریتانیا پاسخ داد، برای جلوگیری از بروز هرگونه پیشامد احتمالی، بایستی خط فاصل میان اراضی ایران، و قلمرو کلات مشخص شود.

انگلیسی‌ها در پی اعتراض ایران، به موجب قرارداد جداگانه ای که در نهم شوال ۱۳۱۳ هـ. ق / ۲۶ مارس ۱۸۹۶ م، بسته شد، کوهک، اسفندک و کنار بسته را به ایران پس داد، ولی در این بخش از مرز، که از خلیج گواتر تا حدود کوهک است، تعیین حدود و نصب علامت‌های مرزی نشده بود. بدین ترتیب انگلیسی‌ها موفق شدند با کمک آقاخان محلاتی و میرزا حسن خان سپهسالار، صدراعظم ناصرالدین شاه، تا کنار رود سند و کرانه‌های رود ماشکد / ماشکید و زمین‌های ایل یاراحمدزایی و جالسک را که آرامگاه امیران صفاری سیستان در آن جاست، به دست علی اشرف خان احتشام الوزاره، نماینده وزارت امور خارجه، از ایران جدا سازد.»

در این اثر با دو روایت متفاوت و مختصر از گذشته و حال منطقه ماشکید آشنا خواهیم شد. فصل اول به پیشینه و گذشته تاریخی آن منطقه می‌پردازد، اما سایر فصول به وضعیت فعلی ماشکید و علی‌الخصوص بخش روتک و مناطق اطرافش خواهد پرداخت. در سال ۱۳۹۷ قرار بر این شد با دید و نگاه فرهنگی، جشنواره ای را در جهت بهتر شناساندن خرمای ارگانیک ربی در منطقه روتک برگزار کنیم. تلاش‌هایی صورت گرفت و برنامه ریزی‌هایی انجام شد. جشنواره به مرحله برگزاری و اجرا رسید و حتی سین برنامه‌های همایش هم مشخص شد. اما متأسفانه ناآگاهان خودی و آگاهان غیرخودی که؛ گروه اول ارزش کار را نمی‌دانستند و گروه دوم به رغم دانستن ارزش کار، مانع این کار بزرگ شدند. در مورد فعالیت‌ها و برنامه‌های انجام شده ی جشنواره، در سایر فصول، توضیحات لازم ارائه شده است. منطقه روتک بسیار گسترده و دارای ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فراوانی است.

فصل چهارم منطقه روتک را به صورت تصویری روایت و معرفی می کند. این تصاویر فقط مربوط به مناطق و کشاورزانی است که در زمان حضور مستند سازان و عکاسان گروه ما در ماشکید حضور داشته اند. در ضمن برای بسیاری از کشاورزان و ریش سفیدان و معتمدین آن منطقه زنگ زدم و تاکید کردم که حتماً در زمان تصویر برداری گروه ما حضور بهم رسانند و در این پروسه فرهنگی و تاریخی شریک شوند که متأسفانه عده ای را همان آگاهان غیر خودی مانع شدند و عده ای هم برای کار و پروژه ما ارزش قائل نبودند و عمداً جلوی دوربین حاضر نشدند!! فصل سوم کتاب نیز به مفاهیم آموزشی و علمی در راستای چگونگی تولید و اهمیت بالای خرما، ارگانیک اختصاص دارد و به نظر نگارنده، گنجاندن این بخش می تواند راهنمای خوبی برای کشاورزان نخلکار منطقه باشد!!

در پایان، از همه کسانی که برای روند برگزاری این جشنواره، زحماتی را متحمل شدند، بی نهایت سپاس و تقدیر خودم را اعلام می دارم از جمله: سردار حاج خویبار شهنوازی، حاج شادیکان شهنوازی، حاج منصور شهنوازی، حاج پسند شهنوازی، حاج دادمحمد شهنوازی، احسان شهنوازی، الیاس یارمحمدزهی، حاج ناصر شهنوازی، حاج خدابخش شهنوازی (رحمت زهی)، خانم خاکپور نماینده شرکت سرس آلمان، مهندس حمیدرضا کبدانی، مهندس شیرزاد کمالی، مهندس ابراهیم جمشیدزاده، مهندس انور کرد، مهندس فضل الله کردی، مهندس نصرالدین شهنوازی، عبدالعلیم یارمحمدزهی، مهندس نعمت الله هاشمزهی، مهندس پیری، مهندس یوسف ریگی، مهندس امان الله طوقی، مهندس بهزاد شهرکی، مهندس اردشیر شهرکی، مهندس محمدعلی طهماسبی (معاون امور باغبانی وزیر جهاد کشاورزی)، دکتر مسعود لطیفیان (مدیر کل امور میوه های گرمسیری و نیمه گرمسیری)، مهندس حسین رحمانی مشاور معاون وزیر، دکتر احمد اصغر زاده (سرپرست گروه محصولات گواهی شده)، مهندس پیمان جلالی (معاون امور نخیلات و میوه های گرمسیری)، مسعود شیخ ویسی (تصویر بردار)، محمدرضا نوری (تصویر بردار) و امید نوری (عکاس)

محمدامین شهنوازی

بهار ۱۴۰۲ ه. ش

## فصل اول

# معرفی منطقه ماشکید

### پیشینه تاریخی ماشکید

الف:

ماشکید صحرایی وسیع دارد. نیم ذرع الی یک ذرع به آب می‌رسد. ده فرسخ در ده فرسخ درخت خرما می‌خورد و دارد، و همه ساله خرما می‌کند. از اغلب مردم بلوچستان تابع کرمان و خاران و کیچ و کلات نصیر در فصل خرما بلوچیه در آنجا جمع می‌شوند و خرما حمل شتران کرده، به منازل و موطن خود می‌برند. و چون خاران و کیچ و کلات خرما کمتر از بلوچستان متصرفی کرمان دارد، بیشتر آن طرف می‌برند. گویند خرما [ی] آنجا را حمل هند هم می‌کنند. آزادخان خارانی یک قلعه کوچکی در ماشکید ساخته<sup>۱</sup>.

ب:

در مزارعات، طوایف ریگی خارانی غیر از محصول نخیلاتی گاهی دیمه کار هم دارند. ولی طوایف دامنی [یاراحمدزهی، گمشادزهی] هیچ قسم محصول صحرایی ندارند و کلیت

---

۱. جغرافیای بلوچستان (۱۲۹۰ قمری). وزیر، احمدعلی خان - تصحیح و اضافات دکتر محمدرضا نصیری، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص ۱۹، ۱۳۸۶.

این هشت مزرعه غیر از دیمه کار.

مزارع ریگی محصولش منحصر است به خرما و در هیچ کدام از این مزارع آب قناتی نیست و هر چه هم قنات داشته [اند] مخروبه و بائر [است] و ابداً آب جاری در آنها نیست و برای مصرف خود و حیوان چاه سه ذرعی چهار ذرعی کنده به آب می‌رسد و به مصرف می‌رسانند. و بنگاه رعیتی هم ابداً در آنجا نیست و نخيلات را هم طوری غرس کرده اند که ریشه آنها متصل به آب [است] و محتاج به آب خارجی نیست. و در تمام این هشت مزرعه تقریباً چهل هزار نخل بزرگ و کوچک است. و از طوایف ریگی خارانی قریب پنجاه خانوار در آن حول و حوش مرتع دارند و اگر بعضی به خاران و جای دیگر بروند بیشتر آنها در همان حول و حوش مزارعات خود سکنی دارند. لیکن از طوایف دامنی [یاراحمدزهی، گمشادزهی] غیر از فصل هامین سایر اوقات به آنجاها نمی‌روند.

هوای ماشکید مشابه بمپور و آبش به نهایت تلخ و شور است و رودخانه ماشکید که حدّ و سدّ است از برای خاک خاران و افغانستان و بلوچستان دولت انگلیس با بلوچستان ایران قریب پنج فرسنگ بالای این مزارعات است. و در این صحراهای بی آب کم علف گور زیاد و آهو بیشتر از حدّ تصور است و آبخور آنها فقط رودخانه ماشکید تواند بود و در سایر نقاط این دشت ابداً چشمه دیده نشده است. و فضای فاصله ما بین این هشت مزرعه و رودخانه را فقط [طوایف] ریگی خارانی مرتع می‌کنند و از طوایف بلوچی به هیچ وجه به آنجا نمی‌روند.

بالجمله رودخانه ماشکید منبعش از شعب‌های کوه بند سیاهان و شعب‌های کوه ایرندجان به هم اتصال یافته به طرف شرق جنوبی جاری [است] و از پشت کوهک به خطّ شمالی به طرف ماشکید رفته و از پشت ماشکید مایل به شمال غربی و اندک اندک رو به مغرب حقیقی سیر [می‌کند] و از محاذات جالق و دزک رد شده در پهن دشت مسمی به هامون بلوچستان به ریگ فرو می‌رود و به طوری که نگارش یافت خاک خاران و افغانستان

و پنکور [پنجگور] را با خاک بلوچستان ایران تحدید می کند.<sup>۱</sup>

### تاریخچه مرز بندی دو کشور ایران و پاکستان

در سال ۱۸۷۱م/۱۲۸۸ ق جهت تعیین خطوط مرزی ژنرال گلداسمیت مأمور تعیین خطوط مرزی بین ایران و پاکستان شد. در پی این مأموریت یکی از افسران انگلیسی به نام هنگرفورد هلدیچ که در مسائل مرزی و جغرافیایی صاحب نظر بود مأموریت یافت تا مرزهای ایران و پاکستان (بلوچستان انگلستان) را تعیین کند. او سرزمین میرجاوه و نوحای پیرامونی آن را به ضرر ایران و به سود انگلستان از ایران جدا کرد. این مسئله موجب اعتراض دولت ایران شد. در این برهه زمانی مشروطه طلبی در مرکز فرصت دفاع از مرزها را تحت الشعاع قرارداد و دولت مرکزی از مرزهای خود غافل ماند.

در سال ۱۹۰۵ م (۱۳۲۳ ق) انگلستان به اجبار، میرجاوه و بخشی از سرزمین های غصب شده توسط هلدیچ را به ایران باز گرداند و قرارداد رسمی به امضاء رساندند. این قرارداد با تغییراتی در سال ۱۹۳۳ م (۱۳۱۲ هـ ش) تا سال ۱۹۴۸ م (۱۳۲۷ هـ ش) که کشور پاکستان به وجود آمد، پایدار ماند و پس از انعقاد معاهده ای دیگر، خط مرزی ایران مشخص گردید / در حال حاضر کشور پاکستان با مساحت ۷۴۶۰۴۵ کیلومتر مربع از سمت جنوب شرقی ۹۲۱/۷ کیلومتر (۶۴۹ کیلومتر مرز خشکی و ۱۷۲/۷ کیلومتر مرز آبی) مشترک با ایران دارد. این مرز از کوه ملک سیاه شروع شده و در ۱۰ کیلومتری شرق بندر گواتر به دریای عمان منتهی می شود. به خاطر عدم وجود کوه های مرتفع خط مرزی بیشتر به صورت هندسی مستقیم در مناطق دشتی و بیابانی کشیده شده است. مرز آبی دو کشور از رودخانه تلخاب، رودخانه ماشکید و رودخانه نهنگ براساس خط تالوگ می گذرد. مرز دو کشور همیشه از تشنجات و اختلافات قومی، فرهنگی و سیاسی دور بوده و مشکل عمده عبور قاچاقچیان و حمل مواد مخدر در مرز دو کشور است. همچنین میله های مرزی

۱. مسافرت نامه کرمان و بلوچستان (۱۳۱۱ قمری) عبدالحسین میرزا فرمانفرما، ایرج افشار، انتشارات اساطیر،

بین دو کشور پس از توافق به عمل آمده تعیین موقعیت شده و در قالب ۲۰ برگ نقشه ۵۰/۰۰۰ تهیه و به امضاء دو دولت رسیده است. همچنین طی توافقی که در قرارداد ۱۹۵۸ م بین دو دولت صورت پذیرفت، عمق مرز مشترک دو کشور ۶۰ کیلومتر به طرف داخل دو کشور است. در طول مرز دو کشور ۲۵۶ میله مرزی وجود دارد که در تاریخ ۱۳۳۶/۱۱/۱۷ هجری شمسی نصب گردید.

### مرز بندی منطقه ماشکید (از گورانی تا جنوب کوهک)

اراضی این منطقه به طول تقریبی ۲۳۰ کیلومتر مسطح و سیلاب‌هایی که از طرف خاک ایران در موقع بارندگی بطور موقت جریان دارد. شیارهای عریض ولی کم عمقی بوجود آورده که مانع عبور و مرور نیست و وسائط موتوری سبک و سنگین (باستثنای زمینهای سست و لغزنده اطراف هامون ماشکید) قادر به حرکت می‌باشند.

ظاهراً این اراضی خشک و کم آبی به نظر می‌رسد ولی بطوری که مشاهده گردیده اولاً در نقاطی از این اراضی مانند گورانی - کندی - مک سوخته - جالق و اطراف آن (زیارت پیر عمر و شاب و غیره) اشجار خرما که محصول آنها غذای اصلی سکنه است به حد وفور و اغلب به شکل جنگل مناظر بسیار زیبایی بوجود آورده که باعث انبساط خاطر است. در داخل این نخلستان‌ها اغلب چشمه سارها و چاه‌های کم عمق آب گوارا و حیوانات و طیور شکاری یافت می‌شود.

در بعضی از این نخلستان‌ها اهالی در فصل جمع آوری محصول آمده مدتی در اطاقهای خشت و گلی که ساخته اند اقامت و پس از جمع آوری محصول به محل‌های اصلی خود معاودت می‌نمایند. (مانند گورانی، کندی، مک سوخته و غیره) ولی جالق را به واسطه وسعت آبادی و دارا بودن مزارع و قنوات و گله‌های گاو و گوسفند و بز و شتر و نخلستانهای وسیع که متجاوز از ۵۰ هزار سکنه دارد می‌توان شهر کوچکی به شمار آورد اما متأسفانه ابنیه و مزارع و باغات آن مناظر شهرهای بسیار قدیمی را مجسم می‌سازد. که تاکنون تفاوت فاحشی از لحاظ بناها و طرز لباس اهالی و عادات و صفات و دیگر سکنه ننموده و حتی یک دکان معمولی خوراکی یا پوشاکی در آن دیده نمی‌شود. اهالی کسب و تجارت



را غیر ضروری و خارج از شئون و مقام خانی و سرداری خود می دانند. زنها بکلی مستور و کمتر از خانه های خود خارج می شوند و مردان سلطه مطلق نسبت به آنها دارند. در آن طرف مرز نیز نخلستان ها و آبادی های مهمی از قبیل لادگشت، سوختگان، کلگ، مزه سر و غیره وجود دارد که نظیر آبادی های طرف ایران هستند.

از علامت شماره ۵ تا علامت شماره ۱ سابق اغلب به دره ها و نخلستان ها و مناظری برخورد می شود که باعث حیرت است و آن قدر این نقاط سر سبز و خرم و پر آب است که انسان بی اختیار به یاد دره های سرزمین مازندران می افتد. سکنه این امکنه نیز عموماً صفات و عادات قدیمی خود را حفظ نموده و از برکت باغات خرما و مزارع و دامپروری راحت به سر می برند و با اینکه در اغلب نقاط بلوچستان آب های سطح الارضی دیده نمی شود برعکس در این دره ها به قدری آب یافت می شود که مقدار زیادی از آن بلا استفاده می ماند.

از حیوانات اهلی این قسمت غیر از شتر، گام، گوسفند، بز و طیور اهلی، یک قسم الاغی است که مانند الاغ های بندری دارای جسمی کوچک و اندامی ظریف و قلم هائی نازک و قیافه هوشمند می باشد. ای نوع الاغ ها به حدی دارای نیرو و قدرت هستند که مانند قاطر با کمال تسلط با سوار خود در راه های کوهستانی و معابر سخت سنگلاخی قادر به راه پیمائی بوده و قابل اعتماد و استفاده هستند. بلوچ ها با حیوانات اهلی مخصوصاً الاغ های خود بسیار خوش رفتار هستند و خوش رفتاری آنها مورد تمجید بوده و می تواند سرمشق برای دامپروران مناطق دیگر ایران واقع گردد.

### چگونگی تعیین مرز بلوچستان ایران و بلوچستان انگلیس (۱۳۱۳ هجری - ۱۸۹۶ میلادی)

در تعیین حدود فوق علی اشرف خان ملقب به احتشام الوزاره به سمت کمیسر سرحدی ایران و کلنل هلدیچ به سمت نمایندگی انگلیس شرکت داشتند و سرپرسی سایکس نیز عضویت هئیت مرزی را دارا بوده است. تاریخچه کمیسیون سرحدی بلوچستان را مشارالیه این قسم شرح می دهد:

(( متجاوز از سی سال قبل<sup>۱</sup> در موقع مذاکرات امتداد سیم تلگراف هندوستان لازم بود معلوم شود که اراضی واقع در سرحد ایران متعلق به کدام دولت است و راجع به آن با چه مملکتی باید داخل مذاکره گردید. از همین نقطه نظر سرفردریک گلداسمیت مسافرتی به این حول و حوش کرده و بالنتیجه خط سرحدی از کوهک تا دریا را به میل خویش معین نمود.))

اولین علامت مرزی را روی رودخانه ماشکید محاذی کوهک برقرار نموده و این علامت شامل مقدار زیادی تخته سنگ بود که بر روی هم انباشته بودند که تا به امروز هم به همان حال باقی مانده و علامت گزاران هیئت نمایندگی پاکستان بر روی آن ستونی از بتون مسلح دارای شماره ترتیبی ۱۶۰ ساخته اند.

#### سرپرسی سایکس راجع به محل علامت شماره ۲ این قسم شرح می‌دهد:

در محل پیشنهادی ستون نمره ۲ بحث زیادی به عمل آمد و بعداً شنیده شد که اگر خواهر نگارنده از تپه ای که روی آن سنگهای علامت مخصوص سرحدی را نصب کرده بودند بالا نرفته بود هیچ گاه حاکم تنومند بلوچستان بر فراز آن بالا نمی‌رفت. آقای سرپرسی سایکس راجع به فعالیت و بردباری و خدمات خواهرشان قلم فرسائی زیاد کرده اند و حق هم داشتند زیرا در تمام مسافرت‌های طاقت فرسا به ایران همراه و طبق اظهار بلوچ‌های سالخورده در تعیین خط مرز نقش بزرگی را ایفا نموده است.

سرهنگ وهب به معیت سلیمان میرزا نماینده فرمانفرما والی کرمان در دامنه رشته جبال سیاهان نیز علامتی به شماره ۳ نصب نمودند. پس از نصب سه ستون فوق کمیسیون‌های مرزی به طرف اسفندک رهسپار و از آنجا به گذار بانسار رفته و پائین گذار مزبور چادرهای خود را بر پا نمودند. در جالق دو هیئت نمایندگی مدت دو هفته توقف و بقیه علائم یازده گانه را نصب کردند و پس از نصب یازده علامت کلنل هلدیچ برای نجات خود از زندگانی در این منطقه دشوار از همان محل پیشنهاد کرد کوههائی که از ملک سیاه به طرف جنوب

۱. منظور سال ۱۸۶۶ میلادی است.

کشیده می‌شود به منزله خطوط سرحدی قبول گردد. قسمت اعظم علائم یازده گانه به شکل تل‌های سنگ ریزه بدون هیچ گونه استحکامی بر پا گردیده بود. بدیهی است این قبیل علائم نمی‌توانست مدت مدیدی دوام داشته باشد، چنانکه خود سایکس در مسافرت ۱۸۹۹ مشاهده نموده است که بعضی از آنها خراب و برخی ناپدید گشته. از نوشتجات سایکس این طور استنباط می‌شود که احتشام الوزاره و اسعد الدوله به جای دقت در امور مرز بندی همواره در مشاجره و نزاع بر سر تقدم و تأخر مقام به سر می‌بردند، حتی کار به جایی می‌رسید که حاکم بلوچستان علناً احتشام الوزاره را تهدید می‌نماید که او را در بیابان‌های بلوچستان بی آب و آذوقه خواهد گذاشت.

موضوعی که باعث موفقیت ایران در یک قسمت از مرز بندی گردیده، یار احمد زائی‌ها بودند که در سال ۱۳۰۷ هجری ریاست آن طایفه با سردار جیهند مردی سالخورده و خودسر بود. سرپرسی سایکس می‌گوید (( یار احمدزائی‌ها دائماً در سرحد به تاخت و تاز اشتغال داشتند و از همین نقطه نظر انگلیسی‌ها از نخلستان هائی که در تملک آنها بوده صرف نظر نمودند<sup>۱)</sup>))

عمل مرز بندی دو هیئت نامبرده به این جا خاتمه پذیرفت که در چادر سرپرسی سایکس صورت مجلس مربوط به امضای روسای طرفین می‌رسد و در جلسه رسمی توضیحاتی راجع به علائم مرزی داده شده و نقشه‌های آن نیز به مهر و امضا می‌رسد.

سایکس اضافه می‌نماید که: اسدالدوله خیال می‌کرد موضوع را به نفع خود تمام کرده و خیلی اظهار مسرت می‌نمود و این جانب نیز عمداً خود را افسرده خاطر نشان داده و در موقع خواندن صورت مجلس فقط به قرائت طول و عرض هر یک از ستون‌ها اکتفا نمودم. بالاخره به مناسبت پایان کار در مرز ضیافتی به افتخار کمیسیون سرحدی ترتیب داده شده و اظهار مسرت و خودستائی شد که در عرض یک ماه کمیسیون موفق به تعیین و تثبیت مرز در طول سیصد میل گردیده و گفته شد جا دارد برای حسن تدبیر روسای دو هیئت کتاب‌ها نوشته شود.

۱. این نخلستان‌ها باید نخیلات گورانی [منطقه روتک فعلی] باشد که هم اکنون طایفه یار احمد زائی از آن استفاده می‌برد.

با در نظر گرفتن وضعیت بسیار سخت جغرافیائی منطقه مرز و اینکه هیئت‌های نمایندگی آن زمان به جز شتر و الاغ وسائل دیگری برای ایاب و ذهاب و مطالعه مرز و علامت گذاری در اختیار نداشتند، حقیقتاً مدت عمل آنها به نظر بسیار کوتاه می‌آید. لذا می‌توان فرض کرد که انگلیس‌ها قبلاً برنامه مطالعه شده ای در دست داشته و به هیئت ایرانی تحمیل نموده اند.

در این قسمت تعداد ۴۵ میله بنا شده و آخرین شماره ترتیبی آن در ساحل رودخانه ماشکید ۱۶۰ است. چهار عدد آنها مضاعف می‌باشد ( ۱۱۹ در طرفین رودخانه تالاب، ۱۵۸-۱۵۹ و ۱۶۰ در طرفین رودخانه ماشکید)